



بخش دوم

بررسی درس‌ها

پس از آشنایی با ارکان برنامه در فصل اول، در بخش دوم به بررسی درس به درس می‌پردازیم که بی‌تردید برای کلاس درس بسیار کاربردی است.

عناصری که در بررسی درس‌ها ارائه شده‌اند عبارت‌اند از :

- سخنان پیشانی فصل
- نمایه درس
- اهداف
- روش‌های تدریس
- درنگی در قلمرو فعالیت‌ها
- آگاهی‌های فرامتنی
- حکایت‌نگاری، مثل‌نویسی، شعرگردانی

«بازگشت به گذشته‌هایی دور و نوشتن خاطره به چه معناست؟ آیا می‌خواهیم از گذشته‌ای که دیگر در دست نیست شمایی بسازیم و آن را به یادگار نگه‌داریم؟ آیا می‌خواهیم به دیگران چیز بیاموزیم؟

بازگشت به گذشته نوعی از بازساخت خود است؛ حساب‌رسی از خود؛ که چه بوده‌ام؛ چه کرده‌ام و چه هستم... به قول فردوسی: «مگر بهره‌ای گیرم از پند خویش...»

محمدعلی اسلامی ندوشن

درس اول

خاطره‌نگاری

ایده‌کلیدی: تقویت قدرت تفکر و خلاقیت با خاطره‌نگاری

نمایه درس

متن و تصویر	فعالیت	کارگاه نوشتن	مثل نویسی	حوزه‌های فرعی
<ul style="list-style-type: none"> محتوای دانشی برای شناخت عناصر خاطره‌نویسی با ذکر مثال‌های مختلف 	<ul style="list-style-type: none"> مقایسه زاویه دید در دو متن روایتی بیان آغازهای متفاوت برای خاطره 	<ul style="list-style-type: none"> تشخیص عناصر خاطره تولید خاطره تحلیل و ارزیابی نوشته‌ها بر اساس سنجه‌های داده شده 	<ul style="list-style-type: none"> بازآفرینی یک مثل (ترجیحاً در قالب خاطره) با استفاده از شیوه‌های نگارش خلاق 	<ul style="list-style-type: none"> یادگیری حدود و ثغور شکسته‌نویسی آموزش تبدیل گفتار به نوشتار

تدریس این درس در سه جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به شرح زیر انجام می‌شود :

جلسه اول

وقتی خاطره می‌نویسم فرصت می‌کنم تا اوج و فرودهای عقل و احساسم را بازخوانی کنم و از هستی‌های متفاوتی که بر درون ذهن و خیالم و بیرون از آن عارض می‌شود حرف بزنم، به این ترتیب گنجینه منحصر به فردی می‌سازم که سیر تحول یک انسان را می‌نمایاند.

محتوا : از ابتدای درس تا صفحه ۱۸ (مبحث خاطره‌گویی و خاطره‌نگاری)

اهداف : دانش‌آموز بتواند :

- ۱ با خواندن خاطره آغازین کتاب (فردی یا گروهی)، نگرش مثبتی نسبت به خاطره‌نویسی پیدا کند و شخصاً آن را ارائه کند.
- ۲ در متن خاطره خود یا دیگری «موضوع»، «راوی و زاویه دید»، «شروع مناسب» و «سادگی و صمیمیت» را به منزله عناصر اصلی یک خاطره، شناسایی و ارزیابی کند.
- ۳ با جانشینی آغازهای متفاوت برای خاطره، تفکر خلاقانه و مبتکرانه او پرورش یابد.

روش پیشنهادی تدریس

■ تلفیقی از پیش‌سازمان‌دهنده و همیاری گروهی

اساس این شیوه بر یادگیری از طریق همیاری است و فرصت لازم را برای تلاش اساسی به منظور رسیدن به اهداف گوناگون آموزشگاهی فراهم می‌آورد. پیامده معتقد بود بیشتر آموخته‌های ما حاصل تعامل با دیگران است. در این روش، معلمان معمولاً به مثابه منبع فکری و حل‌کننده مسائل پذیرفته می‌شوند.

مراحل اجرا:

۱ بیان هدف: معلم به منزله مهندس آموزش، به شیوه پیش‌سازمان‌دهنده با فراخواندن اطلاعات پیشین دانش‌آموزان، مرتبط ساختن آنها با دانش جدید و ارائه مفاهیم نو، طرح اولیه گفت‌وگو را در ذهن دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. برای تحقق این امر، معلم می‌تواند بحث را با بیان اتفاقی که همان روز برایش پیش آمده است، ذکر خاطره‌ای از قبل و یا فراخواندن خاطره‌ای از دانش‌آموزان شروع کند. طبیعی است که در خاطرات معلم عناصر مورد نظر درس گنجانده شده است. اما، در خاطرات دانش‌آموز برای دست یافتن به هدف (وجود عناصر ضروری در خاطره)، هدایت پنهان معلم ضروری است. این کار به صورت‌های متفاوتی ممکن می‌شود؛ معلم می‌تواند در خاطره‌گویی دانش‌آموز، مشارکت فعال داشته باشد و با طرح سؤال‌هایی در تکمیل ساختار خاطره، آن‌گونه که مد نظر کتاب است، به دانش‌آموز کمک کند یا در پایان خاطره ابتدا مجال را به آنها بدهد تا به موشکافی اجزای خاطره دوستانه بپردازند و سپس با طرح سؤال‌اتی که منجر به درک عناصر غایب خاطره می‌شود، هدف خود را نهایی نماید.

۲ سازمان‌دهی و آرایش کلاس: در این مرحله، دانش‌آموزان گروه‌بندی می‌شوند. بهتر است گروه‌های یادگیری به صورت دایره‌وار با هم تعامل داشته باشند. اگر فضا و امکانات کلاس این اجازه را ندهد، می‌توان از نیمکت‌های هم‌جوار برای گروه‌بندی استفاده نمود. سپس معلم با معیارهایی که در نظر دارد به گروه‌بندی دانش‌آموزان می‌پردازد. این معیار ممکن است بر مبنای احترام به نظر و خواست دانش‌آموزان باشد، یا با درکنار هم قرار دادن دانش‌آموزان با انگیزه و بی‌انگیزه و ...

۳ ارائه مواد آموزشی: خاطره اول درس در قالب کتاب یا صفحه نمایش ارائه می‌شود و در کلاس خوانده می‌شود.

۴ تفهیم و وظیفه‌هریک از اعضا: در این مرحله، معلم بررسی هر یک از عناصر و ویژگی‌های خاطره را به عهده یکی از گروه‌ها قرار می‌دهد تا در ضمن همخوانی، مستندات از متن را در راستای وجود یا عدم آن عنصر (موضوع، زاویه دید، شروع، سادگی و صمیمیت زبان) در خاطره ابتدای درس استخراج و مکتوب کنند.

۵ ارائه گزارش تحلیلی گروه‌ها توسط اعضای آن برای کل کلاس و بحث و گفت‌وگو پیرامون گزارشات تحلیلی.

۶ جمع‌بندی و اجماع نسبی بر سر ویژگی‌های خاطره و تحلیل عناصر آن، با تسهیل‌گری معلم.

۷ انجام فعالیت‌های اول و دوم کتاب در گروه.

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

در بخش فعالیت‌ها، درهم تنیدن مهارت‌های تفکر در محتوای دروس مد نظر است، چراکه فعالیت‌های هر درس در راستای پرورش دو یا چند مهارت در دانش‌آموزان تدوین شده است. بنابراین در بخش درنگی بر فعالیت‌ها، سعی می‌شود پیشنهادهایی در زمینه کاربرد نوع مهارت در هر فعالیت داده شود.

فعالیت اول: در این فعالیت دانش‌آموز قرار است مقایسه‌ای میان دو زاویه دید داشته باشد. در واقع هدف، پرورش قدرت مهارت مقایسه در دانش‌آموزان است. مقایسه کردن برای تعامل با محیط، امری اساسی است. یافتن تفاوت‌ها و تشابهات به یادگیرنده در سازمان‌دهی اطلاعات پیشین و اطلاعات جدید کمک می‌کند. دانش‌آموزان در کتاب نگارش (۱) با شیوه سنجش و مقایسه (در نوشته‌های ذهنی) آشنا شده‌اند.

فعالیت دوم: در این فعالیت، مهارت تفکر مبتکرانه مدنظر است. تفکر مبتکرانه به معنای متفاوت فکر کردن، خلاق بودن، داشتن دید متمایز و به شیوه‌های نو عمل نمودن است که دانش‌آموز، صرفاً با تکیه بر قدرت تفکر خود می‌تواند به آن دست یابد. این امر نیازمند یک دانش پایه در دانش‌آموز است که متن درس با معرفی عناصر خاطره‌نویسی، این دانش اولیه را در اختیار او قرار داده است. در این فعالیت، زمانی که از او می‌خواهیم آغازهای مناسب متفاوت با نمونه‌های درس برای یک خاطره ذکر کند با اندکی تفکر درمی‌یابد که عناصر دیگر خاطره‌نویسی مانند موضوع، شخصیت و... نیز می‌توانند در صدر یک خاطره و در محور اصلی بیان قرار گیرند و آغازهای مناسب خاطره با صدرنشینی آنها پدید آید.

■ کارگاه نوشتن یک

در پایان جلسه اول، از دانش‌آموزان می‌خواهیم کارگاه نوشتن یک را در منزل انجام دهند و در جلسه بعد همراه داشته باشند تا با دوستانشان به ارزیابی آنها بپردازیم.

جلسه دوم

خاطره‌نویسی مانند آسانسوری است که تو را به قعر و پایین‌ترین سطح ناخودآگاهت می‌برد. می‌توانی آنجا با خود واقعی‌ات ملاقات کنی و از آنجا سوار دوچرخه‌ای بشوی و بیلاق و قشلاق کنی.

محتوا : ارزیابی پاسخ به تمرین ۱، ۲ و ۳ کارگاه نوشتن

اهداف : دانش‌آموز بتواند :

- ۱ در متن خاطره خود «موضوع»، «راوی و زاویه دید»، «شروع مناسب» و «سادگی و صمیمیت» را به منزله عناصر اصلی یک خاطره به کار ببرد.
- ۲ در نوشتن خاطره، هیجانات و احساسات و رفتار و عملکرد خود را با دقت بیان کند.
- ۳ به نقد و ارزیابی جامعی از خاطرات دوستان خود بپردازد.
- ۴ به ضرورت خاطره‌نگاری به مثابه راهی برای تقویت خلاقیت و نیز روشی برای خودشناسی بیشتری ببرد و دفترچه‌ای مختص به خاطرات روزانه خود اختصاص دهد.

در ابتدای جلسه دوم گروه‌ها شکل می‌گیرند و ۱۵ دقیقه تمرین اول کارگاه نوشتن را، که در منزل انجام داده بودند، با هم بررسی می‌کنند.

در ادامه معلم چند نمونه از کتاب‌های خاطره‌نویسی را که با خود به کلاس آورده به دانش‌آموزان ارائه می‌کند و توجه آنها را به اهمیت خاطره‌نگاری جلب می‌کند، سپس بخش خاطره‌نویسی در زندگی روزمره در کلاس خوانده می‌شود و با گفت‌وگویی که بین دانش‌آموزان انجام می‌شود ضرورت خاطره‌نویسی معلوم می‌گردد. این زمینه، انگیزه کافی برای انجام تمرین دوم را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند.

در ادامه از روش قضاوت عملکرد برای تمرین دوم و سوم کارگاه نوشتن استفاده می‌شود.

روش تدریس قضاوت عملکرد

این روش در راستای کسب و تقویت مهارت ارزیابی، مقایسه، تجزیه و تحلیل می‌باشد. در تمام درس‌های کتاب نگارش، قضاوت عملکرد به صورت برجسته و هدفمند مشاهده می‌شود، به نحوی که در پایان همه درس‌ها، معیارهای ارزیابی در جدولی ارائه شده است. از مزایای این روش این است که ترکیبی از فعالیت فردی و مشارکت گروهی است. مراحل اجرای این الگو به صورت مختصر به این ترتیب است:

۱- کار فردی: از دانش‌آموزان می‌خواهیم به صورت فردی تمرین دوم کارگاه نوشتن را انجام دهند؛ این تمرین خاطره‌نویسی است. پس از آماده شدن متن‌های دانش‌آموزان، به دو شکل می‌توان کار را ادامه داد: یک روش این است که هر دانش‌آموز متن خود را برای کل کلاس بخواند؛ روش دیگر این است که متن‌های دانش‌آموزان را در گروه‌ها توزیع کنیم تا یک متن به صورت گروهی خوانده شود.

۲- کار گروهی: پس از خواندن متن به هر یک از روش‌های مرحله قبل، بررسی متن هر دانش‌آموز در گروه، بر اساس جدول معیارهای ارزیابی تمرین سوم انجام خواهد شد. بدیهی است دانش‌آموزان ضمن تحلیل متن خاطره سایر هم‌کلاسی‌هایشان، به یادگیری عمیق تری دست می‌یابند.

جلسه سوم

هیچ چیز را زشت مخوان! مگر هراس روح را در برابر یادبودهای گذشته‌اش.
جبران خلیل جبران

محتوا : مثل‌نویسی و ارزیابی آن، تبدیل‌گفتار به نوشتار

اهداف : دانش‌آموز بتواند :

- ۱ با استفاده از شیوه‌های نگارش خلاق، مثل را، در قالب خاطره بازآفرینی نماید.
- ۲ عناصر ضروری خاطره‌نویسی را در متن خاطره خود به کار ببرد.
- ۳ مهارت تبدیل‌گفتار به نوشتار را با رعایت حدود شکسته‌نویسی و معیارهای تبدیل‌گفتار به نوشتار عملاً نشان دهد.

مثل نویسی

هر مثل، یک حافظه تاریخی پشت سر خود دارد که از لحظه آفرینش و جاری شدن آن بر ذهن و زبان شاعر یا نویسنده تا لحظه قبول عام و خاص یافتن و ماندگار شدن در دل تاریخ را در برمی گیرد. بنابراین مثل‌ها همچون آینه فرهنگی یک ملت هستند که نوع اندیشیدن، طرز نگاه آنها به مسائل، ارزش‌های پایدار و نگاه ارزیابانه یک ملت را در دل تاریخ فرهنگی تثبیت می‌کنند. با تعبیه این گنجینه‌های فکری، زبانی و فرهنگی در کتاب درسی، دانش‌آموزان را با گذشته و حال خود مرتبط می‌سازیم و با فرصت بازآفرینی مثل، نخست این مجال برای آنان ایجاد می‌شود که با نگاه نقادانه به این فرهنگ، در پی اصلاح احتمالی آنها برآیند و دوم اینکه با انتخاب سنجیده مثل‌ها، دانش‌آموز با روش‌های خلاقانه، پیوندی میان موضوع درس و مثل برقرار می‌کند. به عنوان نمونه، مثل‌های با موضوع یاد و خاطره را (فیلش یاد هندوستان کرده، از دل برود هر آن که از دیده برفت و به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی) در قالب خاطره نویسی بازآفرینی می‌نمایند و در ادامه با سنجه‌های پایان درس، متن‌های همدیگر را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

روش پیشنهادی در بازآفرینی مثل: معلم با کشیدن نمودار خورشیدی در مرکز تخته از دانش‌آموزان بخواهد در مورد مثل مورد نظر، به شیوه بارش فکری تمام ذهنیات خود را بیرون بریزند. پس از تکمیل نمودار و دریافت نظرات تمام دانش‌آموزان هر یک از آنها فرایند نوشتن خاطره را با در نظر گرفتن عناصر خاطره نویسی آغاز می‌کنند و در پایان زمان تعیین شده به صورت اتفاقی یا انتخابی یا به هر شیوه دیگری تعدادی از تولیدات دانش‌آموزان در کلاس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

دانش فرامتنی ۱- بازآفرینی

بازآفرینی یکی از راه‌های موفق اقتباس و ارائه متون کهن به کودکان و نوجوانان است. در بازآفرینی برخی داستان‌های کهن، گاه نویسندگان از مسیر شباهت‌یابی میان عناصر «پیش‌اثر» با عوامل موجود در زندگی طبیعی بشر، راه نفوذ به آفرینش اثر نو را پیدا کرده‌اند. آرمان آرین در کتاب «پارسیان و من» (۱۳۸۵) از این شیوه بهره گرفته است و در فصل «دشت پارسه نوجوان امروز» به کمک شباهت، همتای نوجوانان دوره فریدون می‌شود. هم‌ذات‌پنداری راه دیگری برای بازآفرینی متون کهن است که آرین در «پارسیان و من» به آن توجه داشته است؛ در این داستان زمانی که خانواده پسر از دست ضحاک آسیب می‌بیند، پسر مانند فریدون به جنگ ضحاک می‌رود. اتوسا صالحی در «فرزند سیمرخ» از گفت‌وگو و ارتباط انسان با عوامل غیرانسانی (سیمرخ) برای بازآفرینی استفاده کرده است. نمونه‌هایی از این بازآفرینی‌ها در افسانه سیمرخ و روایت‌های متعددی را در آثار ابوعلی سینا، فردوسی، ناصر خسرو، عطار و مولوی و... به شکل‌های مختلف می‌توان دید (حجازی، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

با توجه به مثال‌ها می‌بینیم که بازآفرینی به معنای آفرینشی دیگر است؛ شاعر یا نویسنده آزاد است با حفظ عناصر و خطوط کلی، محتوا و ساخت داستان را بر اساس درون‌مایه‌ای از نو دگرگون کند. راز غنای میراث ادبی کهن ما در همین از نو ساختن‌ها است.

پس از انجام مثل نویسی، به بخش خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی می‌پردازیم. برای انجام آن، دانش‌آموزان در گروه، این بخش کتاب را بخوانند، درباره آن گفت‌وگو کنند و متن گفتاری آن را به نوشتاری تبدیل کنند. معلم با نظارت بر کار گروه‌ها نکات لازم را برای آنها توضیح می‌دهد.

دانش فرامتنی ۲- شکسته‌نویسی

درباره شکسته‌نویسی و میزان آن، نظرات مختلف و غالباً پراکنده‌ای یافت می‌شود و دستورالعمل کلی از جانب متولیان رسمی امر فرهنگ، زبان و ادبیات در این باره منتشر نشده است که همچون دستور خط فارسی آن را ملاک و معیار عمل قرار دهیم. یکی از کتاب‌های مختصر و مفید در این باره «اصول شکسته‌نویسی» (راهنمای شکستن واژه‌ها در گفت‌وگوهای داستانی) اثر علی صلح‌جو، ویراستار با تجربه زبان فارسی است. در این بخش بسیار موجز، به اصولی که در این کتاب به مثابه راهنمایی برای قاعده‌مند شدن شکسته‌نویسی پیشنهاد داده‌اند و معقول و منطقی به نظر می‌رسد، اشاره می‌شود.

بر اساس کتاب «اصول شکسته‌نویسی»، شکستن کلمات در سطحی حداقلی به نحوی که شکل متعارف کلمه را دگرگون نسازد و تنها سر نخ برای نشان دادن گفت‌وگوها باشد، اشکالی ندارد. اما باید برای جلوگیری از سلیقه‌ای عمل کردن به فکر تدوین اصولی باشیم و حتی واژگان شکسته شده را مانند زبان انگلیسی در مدخل فرهنگ‌هایمان نیز وارد کنیم.

زبان گفتار و زبان معیار (به منزله شکل رسمی نوشتار) دارای نحو [دستور زبان] خاص خود هستند. بنابراین اصول اصلی شکسته‌نویسی به کارگیری نحو گفتار در نوشتار است. مبنای نظری نویسنده در این کتاب «قاعده کاهش الگوی هجایی» است به این معنا، چنانچه تعداد هجاهای واژه‌ها در شکل گفتاری و نوشتاری یکسان باشد آنها را باید کامل نوشت، اما در خواندن می‌توان شکسته خواند. بنابراین اصل واژه‌هایی مانند نان، ماست، هست، بخوابم و... که در تلفظ دچار کاهش هجایی نمی‌شوند، باید همین‌طور نوشته شوند، اما واژه‌هایی مانند برم (شکل شکسته بروم)، هندونه (شکل شکسته هندوانه) و امثال اینها که مشمول قاعده کاهش هجایی می‌شوند ایرادی ندارد شکسته نوشته شوند. واژه‌های تک‌هجایی که شکسته خوانده می‌شوند نیز نباید شکسته نوشته شوند. مثلاً «هنوز هم دیر نیست» را نباید به صورت «هنوزم دیر نیست» نوشت.

کتاب «اصول شکسته‌نویسی» بر این باور است که نباید شکسته‌نویسی در حدی باشد که حافظه بصری خواننده را نادیده بگیرد. ضمن آنکه: از آنجا که هنوز تفاوت‌های لهجه‌ای پا برجا هستند، اگر بخواهیم

واژه‌هایی مانند جان، میدان و... را شکسته بنویسیم آن قزوینی، همدانی و... را که این واژه‌ها را همین گونه تلفظ می‌کنند به زحمت و دردسر انداخته‌ایم. پس ما ابتدا گفت‌وگوها را شکسته (عیناً همان گونه که تلفظ می‌شوند) می‌نویسیم، سپس کلمات آن را، بر اساس قاعده کاهش الگوی هجایی، از شکسته به ناشکسته تبدیل می‌کنیم؛ به این ترتیب نحو گفتار (جابه‌جایی اجزای جمله در گفتار) تبدیل به راهنمایی می‌شود که ذهن و زبان خواننده را به سمت شکسته‌خوانی، که مورد نظر نویسنده بوده است، سوق دهد.

استاد علی صلح‌جو به صورت خاص درباره برخی گروه‌های باز و بسته واژگان پیشنهادهایی را مطرح نموده است که تیتروار به آنها اشاره می‌نماییم:

■ اصل کلی درباره همه فعل‌ها، اسم‌ها و ضمائر همان قاعده کاهش الگوی هجایی است. بنابراین نوشتن بفرمایین (به‌جای بفرماید)، بنویسین (به‌جای بنویسید) و امثال اینها، توصیه نمی‌شود.

■ ضمیرهای ملکی پیوسته که با واژه‌های مختوم به الف می‌آیند، شکسته نوشته می‌شوند: غذاهایم (غذاهام)، صدایم (صدام) و... ضمیرهای من، تو، او، ما، شما، ایشان (آنها) وقتی با حروف اضافه به ویژه «به» می‌آیند شکل گفتار و نوشتارشان متفاوت می‌شود. به تو(به‌ات)، به او (به‌اش) به من (به‌ام) نوشته می‌شود. (صورت‌های به‌ات، به‌اش، به‌ام و... بهتر از شکل‌های بهت، بهش و بهم) می‌باشد.

■ نشانه جمع را حتماً کامل بنویسید.

■ افعال «است» و «نیست» را، شکسته ننویسد ضمن آنکه مشمول کاهش هجا نمی‌شوند، در برخی از لهجه‌ها مانند قزوینی و اصفهانی کامل تلفظ می‌شوند.

■ اگر یکی از شخصیت‌های داستان بر اساس لهجه شخصیت‌پردازی شده باشد مثلاً نویسنده یک خراسانی را از راه لهجه‌اش معرفی کند باید به همان صورت لهجه‌اش را نوشت مثلاً «مودونم» به‌جای «می‌دانم».

■ حذف کامل «است» در ماضی نقلی، که در محاوره اتفاق می‌افتد خالی از اشکال است.

■ شکل «را» و «از» را نباید در نوشتار تغییر داد.

■ کاربرد این واژه‌ها اشکالی ندارد: چی (به‌جای چه)، چته؟ (به‌جای چه‌ات است)، چطوری (به‌جای چگونه)، چه‌جوری (به‌جای چگونه)، چون(به‌جای زیرا)، برای این که (به‌جای زیرا)، کیستی(به‌جای کی هستی)، کیه؟ (به‌جای چه کسی است)، چیه؟ (به‌جای چیست یا چی است).

پی‌نوشت:

در اصطلاح اقتباس، هر نوع متن مکتوب، مصور یا هر آنچه که در فرهنگ شفاهی منقول قرار گرفته است و در جریان خلق دوباره از آن استفاده می‌شود، می‌تواند یک پیش‌اثر باشد (جلالی، ۱۳۹۳: ۵۳).

در شعر [ادبیات] کوشش تو بر این است که چیزی را که همه از پیش می‌دانند، چنان بگویی که هیچ کس آن را نفهمیده است و اگر در این راه توفیق حاصل کنی اهمیت کار تو از کشف یک قانون علمی کمتر نیست.

(شفیعی کدکنی)

درس دوم

نگارش ادبی (۱): نثر ادبی

ایده کلی: پرورش قدرت خلاقیت با تکیه بر نگارش ادبی

نمایه درس

متن و تصویر	فعالیت	کارگاه نوشتن	شعرگردانی	حوزه‌های فرعی
محتوای دانشی ضروری برای شناخت عناصر نگارش ادبی با ذکر مثال‌های مختلف	– تبدیل جملهٔ زبانی به جملهٔ ادبی – تبدیل متن زبانی به متن ادبی – نگارش تابلوی تبلیغی در قالب دو جملهٔ نثر ادبی و نثر نوشته‌ها بر اساس زیبایی	– بررسی دو متن بر اساس عناصر اصلی نثر ادبی (خیال و احساس و انتخاب واژگان مناسب) – تولید نثر ادبی – مرحلهٔ تحلیل و ارزیابی نوشته‌ها بر اساس سنجش‌های داده شده	بازنویسی یک غزل از فخرالدین عراقی	– شناسایی عناصری که در خدمت خیال انگیزی متن و تجلی احساس در آن قرار می‌گیرند (آرایه‌های ادبی و...) – تأمل بر «چگونه گفتن» با انتخاب واژگان مناسبی که حس و اطلاعات لازم را در بر بگیرند

تدریس این درس در سه جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، به شرح زیر انجام می‌شود :

جلسه اول

نثر ادبی با برجسته‌سازی تشبیهات و استعاره‌های تصویرساز و مجازهای حقیقت‌نما، خصلت ذاتاً شعری خود را آشکار می‌سازد و از این منظر خوشاوند نسبی شعر محسوب می‌شود. کیفیت شعری نثر ادبی، هم امتیازات رهایی بخش نثر را، از چارچوب وزن، عروض و قافیه دارد و هم لطافت‌های بیان غنایی را. بنابراین نثر ادبی با تکیه بر این خصایص جذاب‌تر، خواندنی‌تر و پر مخاطب‌تر از انواع دیگر نثر ظاهر می‌شود.

محتوا : از ابتدای درس تا صفحه ۳۴ (کاربرد نثر ادبی در زندگی روزمره)

اهداف : دانش‌آموز بتواند :

۱. با بررسی عناصر ادبی در متن، قدرت تفکر و تحلیل خود را بیازماید و ارتقا بخشد.
۲. یک جملهٔ زبانی را به یک جملهٔ ادبی تبدیل نماید.
۳. یک متن زبانی را به یک متن ادبی تبدیل کند.

روش پیشنهادی تدریس (الگوی ساخت‌گرایی)

ساخت‌گرایان بر اهمیت محیط یادگیری، تجربه مستقیم فراگیر در ساخت و شکل‌گیری معنا تأکید دارند. آنان بر این باور هستند که با وادار کردن فراگیران به تفکر دربارهٔ خود و محیط‌شان تجسم معناداری از دنیای بیرون برای آنان به‌وجود می‌آید. این روش تدریس دارای مفاهیمی کلیدی است که در رأس آنها «ساخت» قرار می‌گیرد. ساخت به معنای شبکه‌کده در هم تنیده از مفاهیمی است که یک حادثه، یک رخداد، یک نظام دانشی و مواردی از این دست را معنادار می‌سازد. مفهوم دیگر «واقعیت» است، واقعیت معنایی است که شخص آن را از جهان می‌سازد، واقعیتی خارج از ذهن انسان وجود ندارد.

«دانش‌سازی یا ساخت دانش» کلید واژهٔ دیگر این الگو است. دانش‌سازی به معنی تولید ذهنی اطلاعات است که باید توسط خود فراگیر ساخته شود. این روش دارای چهار مرحلهٔ اساسی است.

مراحل اجرای تدریس عبارت‌اند از:

- ۱ **مرحله برقراری ارتباط مؤثر یا درگیر کردن فراگیر:** در این مرحله معلم می‌تواند با طرح سؤالاتی در زمینهٔ مسائل مرتبط، مثلاً بیان تفاوت تئورادبی و نثر زبانی، دانش پیشین دانش‌آموزان را فراخواند.
- ۲ **کاوش:** منظور از کاوش در نظام ساخت‌گرایی، جستجوی راه‌هایی است که فراگیر با آن به دانش‌سازی برسد. برای تحقق این امر دانش‌آموزان را به متن آغازین کتاب ارجاع می‌دهیم، تا با کاوش در متن، ویژگی‌های متن ادبی و زبانی را مقایسه و استخراج نمایند.
- ۳ **مرحلهٔ تشریح:** پس از بررسی متن، دانش‌آموزان به توصیف و تشریح یافته‌های خود از متن بررسی شده می‌پردازند.
- ۴ **گسترش یا شرح و بسط:** در این مرحله، از دانش‌آموزان می‌خواهیم به‌صورت گروهی دو عنصر «خیال و احساس» و «انتخاب واژه‌های مناسب» را بخوانند، با پاسخ به فعالیت‌های یک و دو کتاب به بسط نمونه‌های داده شده بپردازند و اهداف مورد نظر را تحقق بخشند.
- ۵ **ارزشیابی:** معلم رفتار دانش‌آموزان را طی فرایند یاددهی – یادگیری رصد می‌کند و ارزشیابی حین آموزش صورت می‌گیرد. به علاوه معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تمرین اول کارگاه نوشتن را به عنوان تکلیف در منزل انجام دهند.

هدف اثر ادبی خلق زیبایی است. در این نوع اثر، نویسنده بیشتر می‌خواهد خود را به بیان اوصاف و احوال از طریق بیانات بلاغی و ادبی سرگرم کند؛ به بیان دیگر قصدش فقط شرح واقعه، اثبات قضیه، نفی مطلب یا توضیح موضوع نیست، بلکه مطلبی ولو کوچک برای او کافی است تا بر آن شاخ و برگ نهد و آن را به شعر، مثل، تشبیهات، استعارات و کنایات بیاراید و در مجموع، اثری هنری به وجود آورد و خواننده را مجذوب هنرنمایی‌های خود کند. در واقع در این نوع اثر، عناصر اغراض و معانی شعری وجود دارد و از سویی در قدرت ایجاد تغییرات، شکوه معانی و تصورات و نقش‌ها، قواعد سبک و انشا، موسیقی کلمات و جمله‌ها، گرمی و شور احساسات، عظمت و زیبایی خیال و ترکیب آن با شعر شریک است (رستگار فسایی، ۱۳۹۰: ۱۰۸-۱۰۶).

اگر در دوره معاصر به دنبال نمونه نابی از اثر ادبی باشیم، می‌توانیم نمونه‌های قابل توجهی را در ادبیات داستانی و نمایشی خود بیابیم. رمان از این منظر پرونده ضعیف‌تری دارد، اگرچه توصیف‌های ادبی زیبایی را در شاهکارهای رمان فارسی مشاهده می‌کنیم. مثلاً در رمان کلیدر نویسنده، شب را به زیبایی توصیف کرده است: «خورشید رفته بود و زردی خونین خود را بر فلک به جای گذاشته بود... سینه روز دمامد رنگ می‌گذاشت و رنگ برمی‌داشت... شب آرام و پر صلابت بر همه آسمان دمید و ستارگان تک و توک پراکنده و دور از هم، پاره‌های خنجر، روی از پرده به در آوردند. یا در توصیف رباط قدیمی می‌نویسد:

«رباط کهنه، در سینه تپه، بر بلندای قلعه چمن نشسته بود، کهنه، شکسته، خسته، پهلوانی بر پیکره‌ای با کلاه خودی از مفرغ، برگستوانی از حلب، بی نیزه، بی اسب، بی سنان، شکسته دست، بریده پای، کلاغان تخم چشم‌هایش را از کاسه به در آورده بودند.»

اما صاحب‌نظران داستان کوتاه را خویشاوند شعر دانسته‌اند و غالب داستان‌های کوتاه موفق با بیانی شاعرانه شکل گرفته‌اند. از نامبردارترین پیروان این شیوه می‌توان هوشنگ گلشیری، گلی ترقی، بیژن نجدی و ده‌ها نفر دیگر را نام برد. بیژن نجدی شاعر و داستان‌نویس معاصر است که احاطه‌اش بر دنیای شعر، داستان‌هایش را جذاب‌تر نموده است، استعاره‌ها و تشبیهات زیبایی در داستان‌های او دیده می‌شود. با هم آغاز درخشان روز اسب ریزی او را از مجموعه «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» می‌خوانیم:

«پوستم سفید بود. موهای ریخته روی گردنم زردی گندم را داشت. دو لکه باریک تتباکویی لای دست‌هایم بود. فکر می‌کنم بوی اسب بودنم از روی همین لکه‌ها به دماغم می‌خورد.»

گلی ترقی یکی دیگر از غنایی نویسان دو دهه اخیر ایران بوده است (پاینده، ۱۳۸۹: ۷۶). بخشی از داستان کوتاه درخت گلابی او را با هم می‌خوانیم.

«باغ انباشته از تپش و نجوا و زمزمه است. لبریز از هیاهوی حیاتی مغرور. درختان فاتح و خوشبخت،

شاخه‌های سرشار خود را به سوی من و دنیا دراز کرده‌اند. همه جز درخت گلایی که با بدنی خاموش و دست‌هایی خالی میان آن همه ولوله و رشد و رویش ایستاده و گوشش بدهکار به ملامت این و آن نیست. نگاهش می‌کنم، این بار با جسمانی جوینده و کنجکاو.»

عناصری که در یک ترداد به آن هویت می‌بخشند، عبارت‌اند از: خیال، احساس و انتخاب‌واژه‌های مناسب.

الف) خیال و احساس: خیال چیست؟ خیال حاصل نوعی هشیاری است که ذهن ادیب در برابر مفاهیم عادی و ارتباطات معمولی زندگی پیدا می‌کند. خیال و احساس هر کسی رنگ تجربه‌های خود او را دارد. بسیاری از خصایص روحی افراد را می‌توان از نوشته‌های آنها دریافت.

ب) انتخاب‌واژه‌های مناسب: گزینش واژگان مناسب، از خطرترین امور یک نویسنده موفق است که از دیرگاه مورد توجه اهل نقد و نظر بوده است؛ عبدالقاهر جرجانی (قرن پنجم) در دلائل الاعجاز می‌گوید: «هیچ کلمه‌ای به خودی خود نه خوب است و نه بد، این در مجموعه ترکیبی کلام است که ما احساس خوب یا بد بودن می‌کنیم.»

اغراق‌آمیز نیست اگر بگوییم انتخاب‌واژه در ادبیات، چه شعر و چه نثر، یکی از ابزار آفرینش سبک‌های خاص ادیبان است. نیما یوشیج، شاعر «قاصد روزان ابری داروگ»، با گزینش واژگانی از جنس طبیعت شمال و منوچهر آتشی، شاعر «اسب سفید وحشی» و منظومه «خلیج و خزر»، با انتخاب کلماتی از نوع طبیعت جنوب، سبک خاص خود را ایجاد کرده‌اند. «سووشون» سیمین دانشور، جامه‌ای از لهجه شیرین شیرازی را بر تن دارد و برخی از آثار منیرو روانی پور هم رنگ و بوی بوشهر را می‌پراکند. تصویرسازی‌ها در شعر شاعران تصویرگری چون منوچهری و خاقانی یا نویسندگانی چون بیژن نجدی هم با انتخاب همین واژگان و در خدمت گرفتن آرایه‌های ادبی صورت گرفته است.

فعالیت ۱- طراحی فعالیت‌هایی از این دست را باید در زیرمجموعه تقویت تفکر انعطاف‌پذیر در دانش‌آموز قرار داد. فرایندی که در حقیقت به دنبال یافتن شیوه‌های نوی تفکر و مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی در جامعه اطلاعات محور است. تفکر انعطاف‌پذیر زمینه‌ای برای کمک به افراد به منظور یافتن راه‌های نو، شنیدن، دیدن و انجام دادن پدید می‌آورد. دانش‌آموز در اینجا از چارچوب کلیشه‌های زبان معیار و تفکر عام و رسمی خارج می‌شود و با نگاه متفاوت به پدیده‌ها، به دنبال الگوی جدیدی برای تبدیل شدن به انسانی خلاق است. این بخش می‌تواند صرفاً با طرح سؤال‌های در چارچوب همان شیوه تدریس پیشنهادی (بدیعه‌پردازی) به طرح ایده برسد یا با روش ساختن گرای آغاز گردد و تداوم یابد.

فعالیت ۲- فعالیت دو نیز در سطحی گسترده‌تر به دنبال پرورش تفکر انعطاف‌پذیر دیگرگون دیدن پدیده‌ها در دانش‌آموز است. در واقع دانش‌آموز در فعالیت اول این مهارت را در سطح جمله کسب می‌کند و در فعالیت دوم، در سطحی گسترده‌تر و پیچیده‌تر به آن دست پیدا می‌کند. شیوه پیشنهادی برای این بخش باز همان استفاده از قیاس می‌باشد.

جلسه دوم

«در تثر غیرادبی، کلمات فقط وسیله هستند و می‌توان ظرف کلمات را پس از مصرف محتوا شست و محتوای دیگری در آنها ریخت. اما در تثر ادبی، کلمات تنها وسیله نیستند، بلکه خود جزئی از هدف هستند.»

قیصر امین‌پور

محتوا: ارزیابی پاسخ تمرین ۱ کارگاه نوشتن، انجام تمرین ۲ و ۳ کارگاه نوشتن

اهداف: دانش آموز بتواند:

- ۱ با نگارش در قالب متن ادبی به بیان احساسات خود بپردازد.
- ۲ در مورد تفاوت‌های دو متن، آگاهانه‌تر و با اشاره به معیارهای لازم انتخاب واژه (افعال، مترادفات و...) و خیال (آرایه‌ها) صحبت نماید.
- ۳ با استفاده از معیارهای ارزیابی، به نقد نوشته هم‌کلاسی‌های خود بپردازد.
- ۴ با آفرینش ادبی به تقویت اعتماد به نفس خود بپردازد.

در جلسه دوم، دانش‌آموزان ابتدا با اشتراک‌گذاری پاسخ‌هایی که به کارگاه شماره یک داده‌اند، ضمن ارزشیابی آنها باید مروری بر آموخته‌های جلسه پیش هم داشته باشند و برای ورود به تمرین ۲ کارگاه نوشتن آماده شوند.

در انجام تمرین دو کارگاه نوشتن از روش بدیعه‌پردازی به شرح زیر استفاده می‌شود :

روش پیشنهادی تدریس: بدیعه‌پردازی

بدیعه‌پردازی یا بدیع‌نگاری از شیوه‌هایی است که به مفهوم‌سازی انتزاعی دانش‌آموزان کمک می‌کند. دانش‌آموز با این شیوه به آفرینندگی می‌رسد که بالاترین طبقه مهارت‌های ذهنی تلقی می‌شود. روش عام مورد استفاده در بدیعه‌پردازی قیاس است، با این روش دانش‌آموز را به دنیایی وارد می‌کنیم که قید و بند و منطق نمی‌تواند راه ورود ذهن‌های خلاق آنان را به جهان ذهنی نوین‌شان سد کند. در حقیقت وقتی که راه‌حل‌ها، با شیوه‌های قدیمی ابراز ما فی‌الضمیر برای برخورد با مسائل جدید کافی نباشد، در چنین شرایطی از بدیعه‌پردازی استفاده می‌کنیم؛ در این الگو ما به سوی جهانی حرکت می‌کنیم که قدری غیرمنطقی است. عنصر اصلی در این روش استفاده از قیاس‌ها است تا حدی که آن قدر با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند که از مقایسه‌های استعاره‌ای بیشتر و بیشتر لذت می‌برند (جویس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۷ و ۱۱۶).

■ مراحل اجرای الگو

۱- توصیف شرایط موجود : پس از انتخاب موضوع از دانش‌آموز می‌خواهیم با دقت در «یک صبح سرد و برفی زمستان» با فهرست کردن نکات کلیدی و صفات، به توصیف دقیقی از آن بپردازند. از آنها می‌پرسیم برف یا زمستان آنها را یاد چه می‌اندازد؟ لازم است مطالبی که گفته می‌شود روی تخته نوشته شود.

۲- مرحله قیاس مستقیم : در اینجا از دانش‌آموزان می‌خواهیم با بهره‌گیری از شیوه «این همانی» میان عناصر موجود در عبارت «یک روز برفی زمستان» با دیگر پدیده‌ها، موجودات و اعضای جهان هستی رابطه همانندی پیدا کنند و مکتوب نمایند. در واقع می‌توان پرسید برف یا زمستان مانند چیست؟ مطالب روی تخته نوشته می‌شود :

- برف، مادر (زال) سفید موی زمین است.
- برف، برگ سفید و برنده زمین است.
- برف، چراغ شب‌های زمستان است.
- برف، شکوفه فصل بی‌شکوفه زمستان است.
- برف، خواهرخوانده باران است.

- برف، آب می‌شود تا در دل دریا زندگی جاری باشد.
- برف، اقتدار زمستان است.
- زمستان، مانند کلبهٔ سرد تاریک است.
- زمستان، مانند برگهٔ سفیدی است که هر چه در آن بکاریم در بهار سر بر می‌آورد.
- زمستان، مانند ماشین برفی سفیدی است که... .
- زمستان، عروس سفیدپوش فصل‌های سال است... .
- برف، مانند لباس سفیدی بر تن زمستان است که... .
- برف، مروارید گرانبهای آسمان است.
- برف «کجباری»^۱ است که به منزل می‌رسد.
- برف، «موسیقی منجمد» است. (شمس لنگرودی)
- گوهر سیماب‌سان برف، نردبان برف،... (کمال اصفهانی)
- برف «امید سپید» (شاملو)
- برف «مه‌رهٔ تابنده»، «نیروهای نورانی» (مشیری)
- «گنج‌جور باغ و بوستان»، «جامهٔ سپید پرهیزگاری» (پروین اعتصامی)
- برف «پاک و دوشیزه»، «نثار شاهوار آسمانی» (اخوان)

۳ مرحلهٔ قیاس شخصی: دانش‌آموز هرچه بیشتر با موضوع احساس، مجانست و نزدیکی کند، در برون‌ریزی احساس و اندیشه‌اش راجع به موضوع موفق‌تر خواهد بود؛ بنابراین از او می‌خواهیم عضوی از موضوع شود یا اصلاً خود موضوع باشد و احساسش را از بودن در آن شرایط بیان کند. به آنها می‌گوییم تصور کنند یک صبح برفی هستند و از زبان آن جمله‌ای بگویند. جمله‌ها روی تخته نوشته شوند.

- من یک صبح برفی زمستان‌ام که ارمغانم برای دانش‌آموزان، تعطیلی‌های پیش‌بینی نشده است.
- من یک صبح زمستانی‌ام، که شولایی از برف بر تن کرده‌ام.
- قبای سفید برف برازندهٔ وجود من است.
- من سراپا پاکی و سفیدی هستم.
- تو مثل منی برف، راه می‌روی و آب می‌شوی (شمس لنگرودی)

۱- اخوان ثالث به دلیل مورب باریدن برف آن را «کجبار» می‌نامد.

■ از زبان برف (پروین اعتصامی) :

«مرا هر سال گردون می‌فرستد به گلزار از پی آموزگاری»
«سپیدم زان سبب کردند در بر که باشد جامهٔ پرهیزگاری»
«نثارم گل، رهاوردم بهار است رهاورد مرا هرگز نیاری»

۴ **تعارض فشرده** : در این بخش از دانش‌آموزان می‌خواهیم تا عبارت‌های متناقض یا واژگان متضاد را از مطالب روی تخته پیدا کنند. با واژگان متضاد تعارض‌های فشرده یا متناقض‌نماهای بکر بسازند و آنگاه یا با انتخاب یکی از آنها در مورد موضوع اولیه، به نوشتن بپردازند یا تعدادی از آنها را در نوشتهٔ خود به کار ببرند.

به عنوان مثال برف : سپید سیاه نامه، چراغ خفتهٔ شب‌های زمستان و ...

۵ **پس از طی مراحل پیشین باید تولید و نگارش خلاق اتفاق افتد.**

در ادامه دانش‌آموزان با روش قضاوت عملکرد که در درس اول توضیح داده شد، به نقد نوشته‌های دوستان خود می‌پردازند. لازم است به دانش‌آموزان تذکر دهیم ابتدا ویژگی‌های مثبت نوشته‌ها را بگویند و بعد به نکات منفی بپردازند.

جلسه سوم

نثر ادبی شیوه‌ای است که می‌توان آن را با پوست خورد.

محتوا : کاربرد نثر ادبی در زندگی روزمره، شعرگردانی

اهداف : دانش‌آموز بتواند :

- ۱ با بهره‌گیری از نثر ادبی به تأثیرگذاری بیشتری در موقعیت‌های تبلیغی و ارشادی دست یابد.
- ۲ با پرورش قدرت خلاقه خود در نوشتن پیام‌های تبلیغاتی و مانند آن مهارت ارتباط مؤثر را بیاموزد.
- ۳ با نوشتن پیام تبلیغاتی ادبی، اعتماد به نفس لازم را برای حضور در سایر رابطه‌های اجتماعی به دست آورد.
- ۴ ضمن خوانش صحیح یک شعر، آن را با بیانی نو، بازآفرینی یا بازگردانی نماید.
- ۵ به ارزیابی منطقی و سنجیده از تولیدات خود و دوستانش بپردازد.

در جلسه سوم ابتدا به کاربرد اثر ادبی در زندگی روزمره و تعیین تکلیف فعالیت سوم کتاب پرداخته می‌شود و در ادامه، شعرگردانی محور کار قرار می‌گیرد. بهترین شیوه برای پرورش متن‌های تبلیغی در قالب اثر ادبی، همان استفاده از قیاس و بدیعه‌پردازی است. به این ترتیب که ابتدا، با استفاده از روش تدریس «کاج»، دانش‌آموزان به نوشتن یک اثر زبانی درباره کالای ایرانی هدایت می‌شوند و در ادامه با استفاده از روش قیاس و ذهنی کردن مفاهیم عینی، متن را در قالب اثر ادبی بازنویسی نمایند و در نهایت به ارزیابی متن‌های هم بپردازند.

روش تدریس کاج: روش تدریس کاج با توجه به این که ذهن را وادار می‌کند که ابعاد منفی، مثبت و نیز خنثای موضوع را بکاوند، سبب می‌شود با فاصله گرفتن از روش طبیعی و خطی ذهن، از ظرفیت چند بعدی آن بهره بگیرند. در این شیوه، ابتدا از دانش‌آموزان می‌خواهیم تمام نقاط قوت کالای ایرانی را ردیف کنند. پس از آن نقاط منفی کالای ایرانی مورد اشاره واقع شود و در نهایت با یک نگاه غیرارزشیابانه و خنثی به موضوع نگاه کنند. پس از این تأملات که در قالب جملاتی به ثبت می‌رسند از آنها می‌خواهیم متنی را با توجه به مستندات پیشین خود مکتوب نمایند. به این ترتیب اثر زبانی دانش‌آموزان برای تبدیل شدن به اثر ادبی مهیا است.

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت سه: صاحب‌نظران، نفس توانایی برقراری ارتباط را زیرمجموعه تفکر انتقادی می‌دانند. فعالیت سه، به نحو آگاهانه‌ای بر این اساس شکل می‌گیرد و میان درس و محیط پیرامون دانش‌آموزان، ارتباط ملموس‌تری برقرار می‌کند.

شعرگردانی: از آنجا که بخش عمده‌ای از معنا در شعر، با وزن، آهنگ و لحن آن منتقل می‌شود، برای درک شعر، گام اول خوانش آن با صدای بلند توسط معلم است و پس از آن باید دانش‌آموزان هم به صورت فردی یا هم‌خوانی گروهی به این مهم دست یابند. گام مهم بعدی ادراک و کشف معنا و هسته مرکزی شعر است که در اینجا با استفاده از ساده‌سازی می‌توان به آن رسید. به این ترتیب که دانش‌آموزان را هدایت می‌کنیم تا با کشف رابطه در آرایه‌های ادبی که در شعر به کار رفته‌اند، آنها را به شکل اولیه خود برگردانند و سپس با تصویرسازی‌های جدید، قریحه خود را در مقابل شاعر بسنجند. در اینجا حتی می‌توانند به «نقیضه‌پردازی» روی بیاورند. نقیضه یا پارودی به نظیره‌پردازی طنزآمیز گفته می‌شود. خوشه‌سازی، بدیعه‌پردازی و سایر روش‌های پرورش خلاقیت در مهیا کردن مواد اولیه نقیضه‌پردازی مؤثر خواهند بود.

دانش فرامتنی

شعرگردانی: رستاخیز کلمات^۱: وجه اشتراک شعر و نثر ادبی در این است که هر دو دارای خیال و احساس‌اند و به انتخاب واژگان حساس‌اند. اما تمایز آن دو در وجود یا عدم وزن، قافیه، ردیف و امثال آن است. گزینش یک غزل غنایی در پایان درس نثر ادبی که به نوعی اوج بدیعه‌پردازی است دستاویزی بسیار مناسب برای فراخواندن دانش‌آموز به تأمل در خوانش و تدبر در نگارش است. در شعرگردانی هدف این است که با مقایسه ساختار و هنجار حاکم بر شعر هم با تفاوت‌های فرم و ساختار و شیوه بیان در شعر و نثر آشنا شویم و هم مهارت تبدیل این ساختارها به هم را کسب کنیم. در واقع در شعرگردانی ما در مرزی میان بازنویسی و بازگردانی ایستاده‌ایم. نه آن قدر پای‌بند بازنویسی هستیم که راه خلاقیت‌های دانش‌آموز بسته شود و نه بی‌محابا دست به گزینش عناصر در شعر می‌زنیم.

۱- دکتر شفیع کدکنی شعر را «رستاخیز کلمات» می‌نامند.

■ بی نوشت

شمس لنگرودی شعر زیبایی دربارهٔ برف دارد با عنوان «تو مثل منی برف» که در بی می آید.

تو مثل منی برف

راه می روی و آب می شوی

با علمی لَدَنی

پنبه بر جراحت سال می گذاری

می بینم اسفند را عصازنان

به سوی بهار می رود.

تو مثل منی برف

آتش را روشن می کنی

تا در هُرمش بمیری

یاس‌های تابستانی ادای تو را درمی آورند

پروانه‌ها که تو را ندیدند

عاشق او می شوند

نکند سرنوشت مرا جایی دیده‌ای برف

بین زمین به چه روزی درآمد

تو کرک بال ملائکی

طوری بنشین که زمین چند روزی به شکل اول خود درآید

کاش می توانستی تابستان‌ها بیاری

تا با تن پوشی از برف

برابر خورشید عشوه‌ها می کردیم

حس می کنم که لشکری از بهشتید

می آید آدم و حوا را به خانهٔ اول عودت دهید

لشکری از آب

بر ما که نوادهٔ آتشیم

حاشا حاشا

من که ندیده‌ام بشود کاری کرد

به شادی مردم اعتماد مکن برف
 تا می باری نعمتی
 چون بشینی به لعنتشان دجاری
 چیزی در سکوت می نویسی
 همه مان را گرفتار حکمت خود می کنی
 ما که سفیدخوانی های تو را خوب می شناسیم
 تو چقدر ساده ای که بر همه یکسان می باری
 تو چقدر ساده ای که سرنوشت بهار را روی درخت ها می نویسی
 که شتک ها هم می خوانند
 آخر بین چه جهان بدی شد
 آفتاب را
 داور تو قرار داده اند
 و تو با پای لیزان به زمین می نشینی
 پیداست که می شکنی برف
 تا قدرت را بدانند
 با سنگریزه و خرده شیشه فرود آ
 فکر می کنم سرنوشت مرا جایی دیده ای برف
 آب شو
 آب شو! موسیقی منجمد!
 و بیا و بین
 رنج را تو کشیدی
 به نام بهار
 تمام می شود.